



۲۰۱۳/۰۲/۱۸

عزیز کهگدای

یادداشت‌های مرحوم حافظ نورمحمد «کهگدای»

قسمت شانزدهم

مجالس ادبی

-- میرزا عبدالنبی خان حکیم از جناب سردار عزیزالله خان «قتیل» پسر رشید نائب السلطنه صاحب مرحوم سردار نصرالله خان حکایت می‌کند که مرحوم قتیل گفته بود: من در چپرکت اتاق خود دراز کشیده و کلیات حضرت بیدل «رح» را پیش روی خود گرفته می‌خواندم، ناگاه مرا خواب در ربود، در خواب دیدم شخصی با ریش سفید و قد بلند، فرد ذیل را برای من می‌خواند:

به غفلت چند! ای وامانده نیرنگ آسایش دلیل خواب راحت میکنی افسانه ما را

با این فرد انتباهی از خواب پریدم، دیدم کلیات حضرت بیدل به زمین افتاده و اوراقش پاشان شده است، دل در برم به تپیدن شد که چرا با فردهای رهنمایی اهل دل یعنی حضرت بیدل همه دلخواه و ناخواه چنین بی احترامی از دست من سر زد.

آخر الامر با روح مبارک شان خیراتی دادم و دیگر با آداب خاصی به مطالعه خیالات بیدل می پرداختم.

اشعار ابوالمعانی بیدل را مهارتی است به سزا، تشبیهات و استعارات بدیع مسحور کننده ای در اجزای لفظ و معنی است، دقت نظر و وسعت فهم و دانش را به زیبایی آراسته و معنی را به غایت کمال رسانده است.

مرحوم سردار نصرالله خان نائب السلطنه پدر سردار عزیزالله خان «قتیل» که خود یکی از ارادت مندان مولانا عبدالقادر بیدل بود، نسخه جامع از غزلیات دیوان بیدل را در مطبعه ماشین خانه وقت تحت طبع گرفته بود که تا حرف دال آن چاپ شده بود ولی متأسفانه چراغ حیات وی وفا نکرده خاموش گردید و دیوان این عارف بزرگوار نا تمام ماند.

-- در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی روزی جناب هاشم «شایق» افندی مرحوم مصرع ذیل را خواندند و تأسف ها نمودند:

در بساطم، عمر ضایع کردنی کم مانده است

تأسف و تأثرش هم از آن جهت بود که مصرع اول آنرا با اسم و تخلص شاعرش از یاد کشیده بودند، ملک الشعرا جناب بیتاب صاحب تأثر افندی صاحب را دیده در ظرف کمتر از ده دقیقه این سر مصرع را به وی رساند:

باختن نرد هوس زین پس نمی شاید مرا

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

اتفاقاً سه سال بعد بروز شنبه ۶ سرطان ۱۳۳۱ هجری شمسی در پوهنځی ادبیات افندی صاحب مجدداً از همان موضوع یاد آور شده فرمودند که آن مصرع فراموش کرده را در کتابی یافتم و شاعرش هم « حسین شهرت شیرازی است» که در هند زندگی می کرد و فرد مکمل مذکور چنین است:

ای که میگوید که از صحبت گریزانی چرا؟

در بساطم عمر ضائع کردنی کم مانده است

و قتیکه سه مصرع اصل با مصرع مطروحه بیتاب صاحب مقایسه شد در مصرع اصل عیبی چند به ملاحظه رسید:

■ بودن دو کاف پی در پی.
■ در هر صحبت عمر انسان ضائع نمی شود و بلکه بسا صحبت علمی و عرفانی باعث نتیجه گرفتن از عمر است. اما مصرع بیتاب باختن نرد هوس که با بساط تناسب دارد و هم واقعاً هوس رانی موجب تضيع اوقات است، بلاغت داشت چنانچه افندی مرحوم نیز تصدیق نمودند.

نوت از تالیست: محمد هاشم شایق افندی شاعر و نویسنده توانا متولد در ۱۸۸۶ میلادی در فرغانه، تحصیلاتش را در رشته فلسفه اقتصاد، جامعه شناسی در انقره به پایان رسانیده است. او اولین سفیر حکومت نو بیاد کمونیستی بخارا در افغانستان بوده سال بعد تابعیت افغانستان را قبول و با جوانان کمونیست بخارا قطع علاقه سیاسی کرد. در افغانستان به حیث مدیر مجله آئینه عرفان، رئیس دارالتالیف وزارت معارف و پروفیسور در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل ایفای وظیفه کرده است. موصوف با دختر سردار عزیزالله « قتیل » ازدواج نمود. این دانشمند به سن ۷۰ سالگی در کابل وفات کرد.

-- خواجه عطاء الله که « عطا » تخلص می کرد در عهد عالمگیر می زیست. او مطابق به طور خود شعر هندی و فارسی می گفت. پادشاه دین پنا بنا بر گناهی او را گرفته حبسش نمود. روزی به حسب اتفاق، پادشاه عالی جاه مصرعی موزون کرد ولی نه خودش و نه کسی از درباریان و نه کسی از موزونان نتوانستند پیش مصرعی بوی برسانند و همه خاموش ماندند.

این سخن در محبس به گوش عطا رسید، او پیغام فرستاد که اگر مرا از حبس رها کنند من از عهده پیش مصرع می برام، بدین وسیله نزد شاه بردنش، پادشاه به عطا فرمود: مصرع ما اینست:

بستر خاک و خشت بالین است

عطا گفت قربانت شوم:

یکی از سرگذشت من این است

-- خان خانان در فتح سند مرزا جانی را اسیر گرفته به دربار آورد، « شکویی » یک مثنوی ساخت که این بیت از مثنوی اوست:

همائیکه برچرخ کردی خرام گرفتی و آزاد کردی ز دام

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

خان خانان پانزده هزار رویه به شاعر انعام داد. لطف این جاست که خود میرزا جانی نیز یک هزار اشرفی به رسم انعام به شکیبی داد و گفت:

این یک احسانی است که به من کردی زیرا در شعر مذکور مرا هما نام نهادی و الا اگر شغال می گفتمی و من چه می توانستم بکنم.

-- خاقانی کدام وقتی این شعر را برای شروانشاه فرستاد:

و تقی ده که در برم گیرم یا وثاقی که در برش گیرم

شروانشاه پیغام داد که چرا هر دو را نخواستی؟ خاقانی مگسی را گرفته بال هایش را کند و برای شاه فرستاد که من با وثاقی نوشته بودم، مگر مگس ظالم یک نقطه به «با» افزود و آنرا «یا» ساخت.

میر وحشت آغا بن میر الفت آغا، شاعر شیوا بیان «ندیم» صاحب را دوست داشت و او را به شعر و شاعری رهنمایی کرده تخلص «ندیم» راهم آقای وحشت برای شان انتخاب کرده اند و در قطعه ذیل به وی نوشته دادند:

ندیما غم گسارا جان نو بازا که بادت بهره از عمر و جوانی
شب از پیر خرد بهر تو ای جان تخلص خواستم از مهربانی
ندیم خاطر اندیشه ام شد مبارک باد کرد و شادمانی

ندیم صاحب هم این مطلبی را در یکی از قطعات خود ادا کرده است که یک فرد آن چنین است:

«ندیم» آموخت این گفتار شیرین ز «وحشت» کو بود پور معانی

مطلع ذیل که از یک غزل «میروحشت آغا» است در وصف «ندیم» صاحب در همان اوقات گرفتاری سروده است:

ای به شیرین سخنی از همه خوبان شیرین نیست چو لعل لبست پسته خندان شیرین

عبدالغفور ندیم در شعر و ادبیات توانایی کامل داشت، دیوان اشعارش دارای هرگونه اشعار است که توسط سردار عزیزالله خان قتلیل در ایران چاپ شده است.

میروحشت آغا اکثراً در مجلس سردار نصرالله خان نائب السلطنه مرحوم می بود. روزی او با حافظجی صاحب مجذوب که در مجلس مذکور بودند برای لُعب شطرنج به اطاق دیگر رفتند، بعد از ساعتی با همدیگر تند شده و به درجه ای رسید که تخته شطرنج را بر فرق یک دیگر زدند و صدای ضرب تخته شطرنج و غالمغال آنقدر بلند شد که سردار برای اصلاح و فهم موضوع آمده و صدا کشید که چه گپ شده است؟

درعین جنگ و تلاش میروحشت آغا صدا کرد: وحشت و مجذوب بهم افتاده اند و آمدن عقلا در میدان وحشت و مجذوب مصلحت نیست. میروحشت آغا رفقای زیادی داشت و از همه با ملا غلام نقشبند پدر حاجی افضل تجار، قاضی میر محمدغوث خان، مستغنی صاحب و محمد علی آزاد رفاقت زیاد داشت.

«پایان»

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ